



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۱۹ / صفر المظفر / ۱۴۴۵ هـ، ق موافق ۲ / سنبله / ۱۴۰۳ هـ، ش

خصوصیات و فوائد سیاست اسلامی

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَأَتْمُّ التَّسْلِيمِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِمَامِ الْمُرْسَلِينَ، وَرَضِيَ اللَّهُ عَنِ الصَّحَابَةِ أَجْمَعِينَ وَعَنِ التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَسَلَّمْ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَمَا بَعْدُ:

قال الله سبحانه وتعالى: {قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} آل عمران: (۲۶)

وقال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ). متفق عليه

از آن وقتیکه سیکولاریزم جای دین مقدس اسلام را گرفت مردم در سراسر جهان حتی مسلمانان تنها به سیاست های کفری و شیطنانی دیموکراسی آشنا اند و سیاست اسلامی که تقریباً دوازده صد سال بر جهان حاکم بود از اذهان مردم غائب شده است و مسلمانان جهان به کلمه سیاست اسلامی نا بلد شده اند.

وقتیکه جهان از شرق تا غرب توسط سیاست اسلامی اداره می شد؛ آنوقت از اوراق تاریخ پاک شده است. آنوقتیکه یهودیان و نصرانیان در تاریکی های کلیسا و معابد افتیده بودند، و مردمان ضعیف قربانی زور مندان بودند، زندگی روزمره آنها سرقت، چور، چپاول و رهنی تا شانزدهم میلادی قرنها در قرن ها در گرداب جهل غوطه ور بودند؛ و علمای شان در این فکر بودند که آیا زن مخلوق است یا خیر؟

آنوقتیکه از برکت سیاست اسلامی در جهان اسلام مسلمانان به قوت علم و دانش خود اختراعات داشتند و آنقدر ترقی کرده بودند که کفار در باره ایشان انگشت به دهان بودند، و از این پیشرفت ها و ترقی عموم مسلمانان بی خبر اند.

سیاست اسلامی آنوقت از جهان اسلام غائب شد و وقتیکه علمانیت (سیکولاریزم) که در حقیقت نظام جاهلیت است، از ظلم کلیسا آزادی را گرفت و به جهان مسلط شد و این شعار را بلند کردند (لا سياسة في الدين ولا دين في السياسة) در دین سیاست نیست و سیاست در دین نیست. و (فصل الدين عن الدولة) دین از دولت جدا شمرده شد.

وقتیکه آواز سیکولاریزم بلند شد که دین یک شی جدا است و دولت جدا. (ما كان لله، فله، وما كان لقيصر فليقصر) یعنی آنچه که از برای الله است آن از برای الله باشد یعنی در کلیسا اختیار الله تعالی میباشد. و کسیکه عبادت الله تعالی را میکند به کلیسا برود و چیزیکه از برای قیصر است یعنی پادشاهی حق قیصر است و این از برای قیصر می باشد و مداخله کردن دین در امور دولت را اجازه داده نمی شد.

سیاست دنیا کار قیصر است و کار دین و عبادت الله در کلیسا صورت میگیرد و در سیاست دین کار ندارد.

یهود و نصارا که از ظلم و جبر و جهل کلیسا رها شدند به طور عکس العمل دین را از سیاست جدا کردند و بعضی ها الحاد و لادینیت را اعلان کردند.

اما اینها پی نمی بردند که دین و دولت، دین و دنیا هر دو از طرف رب العالمین به انسانها داده شده است که هر دوی آن مطابق به حکم و فرمان الله جل جلاله پیش برده شوند و بندگان مکلف اند که در زمین الله قانون الله را حاکم کنند و مطابق قانون الله زندگی کنند و حکام اسلامی به این مکلف اند که امور دنیوی را مطابق به شریعت عیار کنند، سیاست اسلام آنوقت از فرهنگ مسلمانان حذف شد و قتیکه قوانین وضعی جای قوانین شرعی را گرفت و دیموکراسی از طرف کفار در دنیا به شکل نظام سیاسی به مسلمانان معرفی شد و بخاطر کامیابی این کار کفار بعد از سقوط خلافت عثمانی به تمام جهان اسلامی مسلط شدند و همه وسائل خود را به کار انداختند تا مسلمانان را قناعت بدهند که در سیاست نظام کفری ترقی، کامیابی و خوشحالی است.

در حالیکه سیاست کفری در اباحت، ماده پرستی، نظام طبقاتی، فیودالیزم و الحاد استوار است.

وقتیکه رسول الله صلی الله علیه و سلم حیات داشتند و در رأس حکومت اسلامی قرار داشتند تدبیر و اداره امور مسلمانان را به سیاست اسلامی اجراء میکردند؛ و قتیکه رسول الله صلی الله علیه و سلم از دنیا رحلت کردند، خلفای راشدین به سیاست اسلامی امورات مسلمانان را پیش می بردند؛ و بعد از خلفای راشدین حکام اسلام و امراء از شرق شروع (اندونیزیا، مالیزیا، قاره هند، چین) تا غرب (ایتالیای موجوده، اسپانیه و یونان) بر امتهای مختلف، ادیان مختلف، نژادهای مختلف حکومت می کردند و همه به سیاست اسلامی تابع بودند و در زیر سایه حکومتهای اسلامی در امنیت و عدالت زندگی می کردند.

از برکت سیاست اسلامی مسلمانها در تجارت، عمارت، صنعت و در میدان اختراعات آنقدر پیشرفت کردند که بعضی کفار می گفتند که مسلمانها در ساعت جن را قید کرده اند و این جن است که ساعت را میگرداند.

به برکت سیاست اسلامی مسلمانها در میدان علم انکشافات و اختراعات مختلفی کردند که تا امروز جهان کفر از ابن سیناء، ابوبکر رازی، خوارزمی، ابن الهیثم، جابر بن حیان، فارابی، البیرونی، عباس بن فرناس، ثابت بن قره... و امثال آن مرهون ایشان اند.

مسلمانان وقتی از سیاست اسلامی کنار زده شدند که کفار در ممالک مستعمره خود مسلمانان را به طریقه های مختلف به لادینیت دعوت کردند، و کفر را از برایشان راز کامیابی تلقین کردند، و از مسلمانان دین، تاریخ و تمدن شان را به باد فراموشی سپردند و حالت مسلمانها قسمی شد طوریکه در ابتداء یهود، نصارا، رومی ها، هندوها و یونانی ها قرار داشتند.

سیاست اسلامی آنوقت از حافظه مسلمانها بیرون شد و قتیکه ایشان به علم و به جهاد پشت دادند و در تقلید کفار غرق شدند و عزت خود را در نزد کفار جستجو کردند.

شناخت سیاست اسلامی:

سیاست به کسر سه سین اول، کلمه عربی است در لغت عبارت از تدبیر و اصلاح کارها را گفته میشود و در اصطلاح: (الْقِيَامُ عَلَى الشَّيْءِ بِمَا يُصْلِحُهُ) تاج العروس من جواهر القاموس (۱۶ / ۱۵۷)

ایستاد کردن یک شی که به واسطه آن، آن شی اصلاح میشود. در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ) . متفق علیه

ترجمه:- از ابو هریره رضی الله عنه روایت است او از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت میکند که نبی علیه السلام فرمودند: بنی اسرائیل بودند که پیامبران امورات آنها را اصلاح میکردند.

امام نووی در معنی این جمله: (تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ) میگوید: (أَيُّ : يَتَوَلَّوْنَ أُمُورَهُمْ كَمَا تَفْعَلُ الْأُمْرَاءُ وَالْوَلَاةُ بِالرَّعِيَّةِ) . یعنی امورات آنها را به دوش میگرفتند طوریکه امراء و والیان با رعیت خود رفتار میکردند.

امام ابن نجیم رحمه الله در تعریف سیاست میگوید: (بِأَنَّهَا الْقَانُونُ الْمَوْضُوعُ لِرِعَايَةِ الْأَدَابِ وَالْمَصَالِحِ وَانْتِظَامِ الْأُمُورِ وَالسِّيَاسَةُ نَوْعَانِ سِيَاسَةٌ عَادِلَةٌ تُخْرِجُ الْحَقَّ مِنَ الظَّالِمِ الْفَاجِرِ فَهِيَ مِنَ الشَّرِيعَةِ عِلْمُهَا مِنْ عِلْمِهَا وَجَهْلُهَا مِنْ جَهْلِهَا وَقَدْ صَنَّفَ النَّاسُ فِي السِّيَاسَةِ الشَّرْعِيَّةِ كُتُبًا مُتَعَدِّدَةً وَالنَّوْعُ الْأَخْرُ سِيَاسَةُ ظَالِمَةٌ فَالشَّرِيعَةُ تُحَرِّمُهَا). البحر الرائق (٥/ ٧٦)

ترجمه:- سیاست آن قانونی است که وضع شده برای رعایت آداب و مصالح و از برای انتظام اموال.

وسیاست به دو نوع است یکی سیاست عادل است که بیرون می آورد حق را از ظالم و فاجر و این حصه شریعت است و علم این سیاست علم شریعت است و بی نادانی این سیاست در واقع نادانی شریعت است و مردم در قسمت سیاست شرعی کتابهای مختلفی نوشته اند.

و نوع دیگر سیاست ظالمانه است که شریعت آنرا حرام قرار داده است.

امام بجیرمی شافعی میگوید: (وَهِيَ إِصْلَاحُ أُمُورِ الرَّعِيَّةِ، وَتَدْبِيرُ أُمُورِهِمْ) حاشیة البجیرمی التجرید لنفع العبید (٢/ ١٧٨)

ترجمه: سیاست اصلاح امور رعیت و تدبیر کردن کارهای آنها است.

امام ابن خلدون در باره حقیقت سیاست اسلامی میگوید: (فهي في الحقيقة خلافة عن صاحب الشرع في حراسة الدين وسياسة الدنيا به). مقدمة ابن خلدون (ص ٩٧).

ترجمه:- سیاست در حقیقت نمایندگی از صاحب شریعت است در حفاظت دین و در تدبیر امور دنیا.

از تعریفات فوق به صراحت معلوم میشود که سیاست اسلامی جز لا یتجزأ اسلام است و در بین سیاست اسلامی و دین هیچ نوع فرق وجود ندارد بلکه سیاست اسلامی عبارت از تطبیق احکام شرعی و تدابیر لازم از برای اصلاح کارهای مردم میباشد.

در شریعت اسلام سیاست اسلامی تابع شریعت است و سیاست اسلامی از حدود شرعی تجاوز نمی کند و سیاست اسلامی به شریعت مقید است و سیاست اسلامی در روشنائی رهنمائی ها و هدایات شریعت، تصامیم و کارها انجام میشود. و در سیاست اسلامی اینطور کارها جواز ندارد که با شریعت در تضاد باشد. بلکه تدابیر مصالح دنیوی و اخروی در روشنائی شریعت اسلام صورت میگیرد.

به عبارت دیگر جلب مصالح جامعه و دفع مفاسد از جامعه را سیاست اسلامی گفته میشود.

خصوصیات سیاست اسلامی و فوائد آن قرار ذیل است:

١- اولین خصوصیت سیاست اسلامی این است که سیاست اسلامی؛ سیاست ربانی و شرعی است. مصدر سیاست اسلامی الهی است یعنی مصدر سیاست اسلامی الله سبحانه و تعالی است، سیاست اسلامی یا خلافت به ذریعه وحی برای انسانها رهنمائی شده است از این جهت سیاست اسلامی را (السیاسة الشرعية) گفته میشود که در این باره علماء کتابهای زیادی نوشته اند و سیاست اسلامی به شریعت اسلام از این جهت منصوب میشوند که سیاست اسلامی منبع آن شریعت اسلام است، از همین جهت در سیاست اسلامی حفاظت شریعت اسلام را نظام اسلامی به دوش دارد.

دیگر اینکه سیاست اسلامی یک وجبیه و مسئولیت دینی و مکلفیت شرعی است و بالای مسلمانان شرعاً تعیین ولی الامر خلیفه یا امیر المؤمنین فرض است. علامه کاسانی نوشته است: (وَلِأَنَّ نَصَبَ الْإِمَامِ الْأَعْظَمِ فَرَضٌ بِأَخْلَافٍ بَيْنَ أَهْلِ الْحَقِّ). ذلك بدائع الصنائع (٧/ ٢)

ترجمه:- و دیگر اینکه نصب امام اعظم و تعیین آن فرض است بدون اختلاف در بین اهل حق.

بناءً گفته می‌توانیم که سیاست اسلامی به دو شرط مقید است اول اینکه که در تمامی تصرفات خود به شریعت موافق و برابر باشد و مخالف شریعت نباشد.

دوم شرط این است که تمام تصرفات سیاسی به خاطر مصالح العباد والبلاد باشد.

۲- دیگر خصوصیت سیاست اسلامی این است که سیاست اسلامی مقاصد شریعت و دین را حفاظت میکند و مقاصد شریعت عبارت از حفظ الدین، حفظ النفس، حفظ العقل، حفظ النسل و حفظ المال میباشد.

در سیاست اسلامی حفاظت مقاصد شریعت بر ولی الامر فرض است و بخاطر حفاظت اینها به ولی الامر فرض است که حدود الهی و قصاص را بالای مجرمین تطبیق و نافذ کند.

اما در سیاست های دیگر حفاظت دین، عقل، نسل وجود ندارد، بلکه اینها را از جمله کارهای شخصی انسان می‌شمارند و به سیاست آنها ارتباط نمی‌دهند و شراب نوشی که عقل را زائل میکند و با زن به رضایت او زنا کردن را جرم نمی‌شمارند و حتی انکار از دین را کار شخصی انسان میدانند که دین را می‌پذیرد و یا نمی‌پذیرد.

۳- خصوصیت سیاست اسلامی از لحاظ قوانین و احکام: سیاست اسلامی به دو نوع مسائل و قوانین استوار است که یکی آن منصوصی و احکام ثابت اند که در همه ازمینه و در همه حالات و شرائط قابل تغییر نیست و در سیاست اسلامی امیر و حاکم در تطبیق این احکام مکلف اند.

نوع دوم: احکام و مسائل اجتهادی اند که مطابق به زمانه، حالات و بادر نظر داشت شرائط قابل تغییر اند که عبارت از فتوای مفتیان و مجتهدین که از مصادر شرعی استنباط میکنند و سپس از طرف قوه اجرائیه نظام تطبیق میشود که این نوع قوانین و مسائل هم به شریعت راجع میشود و در سیاست اسلامی با در نظر داشت زمانه و شرائط قابل تغییر اند که این خصوصیت در دیگر سیاست ها وجود ندارد، بلکه در سیاست غیر اسلامی قوانین و احکام به اکثریت آراء مردم تعیین و تطبیق میشود.

۴- هدف سیاست اسلامی به دست آوردن مصالح دنیوی و اخروی افراد جامعه و دفع کردن هر نوع مفسد از جامعه میباشد. و در سیاست اسلامی برای امت آن موقفی اختیار کرده میشود که از برای حمایت امت اصلاح باشد بدون اینکه اصول شریعت پایمال شود که این بعینه هدف احکام شریعت اسلام میباشد. شیخ الاسلام عزبن عبدالسلام میگوید: (فإن الله تعالى أرسل الرسل وأنزل الكتب لإقامة مصالح الدنيا والآخرة ودفع مفسدهما... من مارس الشريعة وفهم مقاصد الكتاب والسنة علم أن جميع ما أمر به لجلب مصلحة أو مصالح أو لدرء مفسدة أو مفسد وأن جميع ما نهى عنه إنما نهى عنه لدفع مفسدة أو مفسد أو لجلب مصلحة أو مصالح). القواعد الصغرى (ص: ۳۲، ۵۳)

ترجمه: - یقیناً الله تعالى رسولان را فرستاد و کتابها را نازل کرد بخاطر اقامه مصالح دنیوی و اخروی و دفع مفسد دنیوی و اخروی... کسیکه به شریعت عالم باشد و به مقاصد کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم علم حاصل کرده باشد به این آگاه میباشد که یقیناً به همه آنچه‌ها یک شریعت امر کرده است یا از برای مصلحت و یا از برای جلب مصالح و یا از برای دفع مفسد میباشد. و از همه آنچه‌ها یک شریعت منع کرده است، یقیناً منع کرده از فساد و یا منع کرده از مفسد.

حاکم شرعی یا اولی الامر میتواند به اساس تجربه خود در باره مصالح و مفسد رعیت مطابق به روح شریعت تصمیم بگیرد، و امورات آنان را مرتب کند؛ زیرا که مصالح و مفسد اخروی به واسطه شریعت؛ و مصالح و مفسد دنیوی به اساس تجربه شناخته میشود. شیخ الاسلام عزبن عبدالسلام رحمه الله مینویسد: (ولا يعرف مصالح الآخرة ومفسدها إلا بالشرع ويعرف مصالح الدنيا ومفسدها بالتجارب والعادات). القواعد الصغرى (ص: ۴۱)

ترجمه:- شناخته نمیشود مصالح و مفاسد اخروی مگر به واسطه شریعت، مصالح و مفاسد دنیوی شناخته میشود به اساس تجربه و عادت.

اما در سیاست های کفر و غیراسلام مفاسد و مصالح هیچ مطرح نیست؛ بلکه به هر آنچه‌ای اعتبار میدهند که عام مردم آنرا اشتها دارند و خوش می‌شمارند مانند: قمار، خوردن گوشت خوک، شراب نوشیدن، زنا کردن و اگر مصالح را در نظر می‌گیرند آن مصالحی را در نظر می‌گیرند که به خیر جهان کفری باشد اگر چه در حقیقت یک شر بزرگ باشد. مانند: سیاست کفری جهان کفر در باره مسلمانان غزه .

۵- دیگر خصوصیت سیاست اسلامی این است که در سیاست اسلامی چوکی و منصب یک مسئولیت شمرده میشود. در سیاست اسلامی ولی الامر و یا حکام منصب و موقف را به نظر منصب نمی‌بینند بلکه منصب را به نظر مسئولیت می‌بینند، همیشه ایشان می‌ترسند که از مسئولیت سپرده شده به حضور پروردگار جواب گو هستیم از افراط و تفریط در آن و الله تعالی از ما در باره رعیت سوال میکند.

در حدیث شریف آمده است: عن أبي موسى الأشعري رضي الله تعالى عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ أَهْوَنَ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَلَمْ يَعْدِلْ فِيهِمْ». حلية الأولياء وطبقات الأصفياء (٤ / ١٥)

ترجمه:- از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است او میگوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: یقیناً از همه مخلوق کرده حقیر تر به نزد الله تعالی کسی است که مسئولیت و کار مسلمانها را به دوش میگیرد و باز در آن عدالت نمی‌کند.

در حدیث شریف دیگر آمده است: عَنْ بِنْتِ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ، عَنْ أَبِيهَا مَعْقِلٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ وَلِيَ أُمَّةً مِنْ أُمَّتِي، قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ، فَلَمْ يَعْدِلْ فِيهِمْ، كَبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ» المعجم الأوسط (٦ / ٣٦٥)، المعجم الكبير للطبراني (٢٠ / ٢٢٢)

ترجمه:- دختر معقل بن یسار از پدر خود روایتی را نقل میکند پدر او گفت: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: کسیکه به دوش بگیرد مسئولیت یک جماعت از امت من را کم باشد یا زیاد سپس در بین آنها عدالت نکند الله تعالی او را سر نگون به جهنم می‌اندازد.

زوجه حضرت عمر رضی الله عنه عاتکه رضی الله عنها در باره حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه میگوید: (کان یأتی الی فراشه لینام فیطیر منه النوم، فیجلس ویبکی! فأقول له: ما لك يا امیر المؤمنین؟ فیقول: تولیت امر أمة محمد صلی الله علیه وسلم، و فیهم المسکین والضعیف والیتیم والمظلوم، وأخشی أن یسألنی الله عنهم یوم القیامة).

ترجمه:- حضرت عمر رضی الله عنه فرس خود را هموار میکرد که برآن استراحت کند ولی خواب از چشمان او می‌رفت و می‌نشست و گریه میکرد من برایش گفتم چه سخن است ای امیر المؤمنین! برایم گفت: من مسئولیت امت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را بدوش گرفته‌ام و در بین امت مسکین، ضعیف و در بین شان یتیم است و همچنان در بین اینها مظلوم وجود دارد من می‌ترسم از اینکه الله تعالی در باره اینها از من سوال کند.

۶- در سیاست اسلامی امیر و حاکم مسلمانها از طرف الله تعالی بر بندگان حیثیت خلیفه را دارد. و وظیفه حاکم اسلامی نافذ کردن احکام الله تعالی است. {وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ} النور: (٥٥)

ترجمه:- الله به کسانی که از شما ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند وعده داده است که البته ایشان رادر زمین جایگزین پیشینان خواهد کرد همانگونه که جایگزین کرده بود کسانی را که پیش از ایشان بودند و البته استوار خواهد ساخت برایشان دینی را برای آنان پسندیده است و البته خوف وهراس آنها به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد چون آنان من را می پرستند و با من هیچ چیزی را شریک قرار نمی دهند و هر کس بعد از این کافر شود پس آنان فاسق اند.

۷- در سیاست اسلامی امیر یا ولی الامر از دو راه معتبر تعیین میشود اول به بعیت اهل حل و عقد دوم به اثر وصیت و یا استخلاف ولی الامر سابقه.

و در وقت ضرورت به اثر غلبه و قوت هم تعیین شده میتواند و در سیاست های غیر اسلامی در تعیین ولی الامر هر قسم مردم سهم میگرد مانند فاسقان، جاهلان، شراب خوران، دزدان، سرمایه داران، و باندهای مافیا تا اینکه مصالح آنها را تأمین کند.

در شرایط فعلی در جهان کفر در تعیین پادشاه و زعیم زیاد اختیار و صلاحیت شبکات استخباراتی و استبدادی دارند تا اینکه کسی را بر اریکه قدرت بنشانند تا اینکه آن پروژه های سیاسی و نظامی که در نظر دارند به دست او اجرا نمایند. امام ماوردی رحمه الله نوشته کرده: (والإمامة تنعقد من وجهين: أحدهما: باختيار أهل العقد والحل. والثاني: بعهد الإمام من قبل). الأحكام السلطانية للماوردی (ص: ۲۱)

ترجمه:- و امامت اعظم منعقد میشود به دو طریقه اول به اثر تعیین اهل حل و عقد دوم به اثر سپردن امام نخست.

۸- سیاست اسلامی آن سیاستی است که به الله تعالی ایمان دارد.

۹- سیاست اسلامی آن سیاستی است که امر بالمعروف و نهی عن المنکر میکند و مردم را به دین الله فرا میخواند و در این راه از هیچ نوع ملامتی نمی ترسد.

۱۰- سیاست اسلامی آن سیاستی است که به تمام معاهدات و پیمان های خود متعهد است و در وعده های خود سخت استوار میباشد اگر چه این معاهدات با دشمن هم باشد و کدام وعده که به ملت میدهد در آن صداقت میکند و کدام معاهدات که با دشمن میکند به معاهدات خود تا وقتی مضبوط و استوار باشد که جانب مقابل معاهده را نقض نکرده.

۱۱- سیاست اسلامی سیاست واقعی است و کدام سیاست خیالی، وهمی و خواب خیال نیست.

تدبیر کدام کار را که بگیرد آنرا به اتمام میرساند، و به طریقه احسن آنرا انجام میدهد.

۱۲- سیاست اسلامی امت اسلامی را بسوی زندگی سعادت مند و مترقی میرساند، برابر است که در میدان سیاست باشد و یا در اقتصاد و یا در بخش های امنیتی.

فوائد سیاست اسلامی:

۱- سیاست اسلامی علاقه رابطه را بین رعیت و حاکم تنظیم میکند با آن طریقه که شریعت امر کرده است.

۲- سیاست اسلامی هیبت و قوت امت اسلامی و دولت را حفاظت میکند و در بین امت روحیه عزت و کرامت را تقویه میکند و در راس همه امت ها قرار میدهد.

۳- سیاست اسلامی از جامعه و امت اسلامی حفاظت میکند اگر چه آن روحی باشد و یا سیاسی و یا اجتماعی و یا اخلاقی.

۴- سیاست اسلامی برای زندگی امت پلانهای مختلف دارد تا اینکه امت اسلامی را به حالت خوب انتقال بدهد و از آن حالات خوب به حالات عالی انتقال بدهد تا اینکه عزت از دست رفته و پیشرفت دوباره بدست آرد.

۵- سیاست اسلامی بهترین وسیله از برای تطبیق آرمانهای ولی الامر و رسیدن به اهداف خود شمرده میشود بدون اینکه به کدام مخالفت شرعی رو برو شوند و از برای حاکم اسلامی در آخرت کامیابی را تضمین میکند.

- ۶- سیاست اسلامی زمینه را برای فقیه هوشیار و حاذق مساعد میکند تا اینکه با نظام کمک کنند و به اثر فتواهای صحیح و اجتهادات مشکلات رعیت را حل و فصل کند و برای پیش رفت راه را هموار کند.
- ۷- سیاست اسلامی از برای حاکم فقیه و مفتی راه بدیلی را جستجو میکند اگر احیاناً فیصله حاکم و فتوای مفتی به روح شریعت برابری نداشت مقاصد دین تحقق نمی یابد.
- ۸- سیاست اسلامی حاکم و مفتی را تنها به نص محدود نمی گذارد، بلکه از برای حاکم اینطور باب را باز میکند که مصالح جامعه را بدست آورد و جلو مفسد را بگیرد، بشرط اینکه به نص صریح در تضاد نباشد مانند: باب تعزیر که در آن موضوعات نص وجود ندارد.
- ۹- سیاست اسلامی گیلیم تمام مفسد را از جامعه جمع میکند و مصالح العباد والبلاد را بوجود می آورد.
- ۱۰- سیاست اسلامی از برای امت عزت و کرامت را به وجود می آورد و حدود جغرافیای امت اسلامی را حفاظت میکند و با دولت های جهان راویط حسنه را قائم میکند.